

محکوم می‌کنیم.»

از این گونه اعمال ترور و تهدید و زندانی کردن فعالان اتحادیه‌ها، نهادهای دموکراتیک، احزاب سیاسی چپ و شخصیت‌های فرهنگی مانند یاشار کمال، عزیز نسین، اسماعیل بشیکچی و... که به نوعی مخالف سرکوب مردم کرد بوده و خواهان آزادی و برابری هستند؛ بسیار زیاد است. اما، این مشت نمونه خروار، به خوبی نشان می‌دهد که دولت ترکیه در سرکوب آزادی‌های مردم و به ویژه سرکوب منظم مردم کرد، از هیچ جنایتی فروگذار نبوده است.

قطعا در تحولات اجتماعی، هر کدام از طبقات راه حل خود را ارائه می‌دهند: سرمایه‌دار در استثمار اکثریت جامعه انسانی به فکر انباشت هر چه بیشتر سود و سرمایه است. اما منافع طبقاتی کارگران ایجاب می‌کند که به دنبال راه‌های انسانی و برابری اقتصادی و آزادی‌های فردی و اجتماعی باشند. برای مثال در لشکرکشی و آدم‌کشی آمریکا و متفین وی علیه عراق، دولت ترکیه پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار نیروهای متفین قرار داد تا بر سر مردم عراق بمب بریزند. در این میان طبقه کارگر ترکیه که در سازمان‌یابی و مبارزه متشکل تجربه فراوانی دارد؛ از همان آغاز ورود نیروهای نظامی آمریکا و متفین به منطقه، قطعنامه‌هایی را صادر نمود که به موجب آن حرکت آمریکا را محکوم نمود و خواستار خروج نیروهای نظامی آمریکا و هم‌پیمانانش از منطقه شد. همچنین به دولت و ارتش ترکیه هشدار داد که علیه مردم عراق در کنار آمریکا قرار نگیرد و یا از طریق دیگری وارد عمل نشود. در حالی که احزاب ناسیونالیست کردستان عراق بی‌صبرانه انتظار می‌کشیدند تا در زیر چتر حمایت ژنرال شوارتسکف و سربازانش به اهداف خود برسند.

علاوه بر اتحادیه‌های کارگری ترکیه، اتحادیه‌های کارگری اروپا نیز بارها دولت

ترکیه را به خاطر نقض حقوق بشر و سرکوب مردم کرد محکوم کرده‌اند. از جمله می‌توان به قطعنامه اتحادیه کارگری انگلستان مبنی بر قطع عملیات نظامی دولت ترکیه در کردستان و به رسمیت شناختن حقوق عادلانه مردم کرد اشاره کرد. «سندیکای حمل و نقل و کار عمومی انگلستان و ایرلند» که نزدیک به یک میلیون عضو دارد، در سی و هفتمین کنفرانس فوق‌العاده خود در اوائل ژوئیه ۱۹۹۷ که در برایتون (Brighton) برگزار شد، یک قطعنامه ۸ ماده‌ای را بر علیه دولت ترکیه با اکثریت آرا به تصویب رساند. در این قطعنامه از دولت ترکیه خواسته شده است که هر چه سریع‌تر جنگ و سرکوب خود بر علیه مردم کرد و دیگر اقلیت‌ها را قطع کند. همچنین این اتحادیه از کمپین سازمان عفو بین‌الملل بر علیه دولت ترکیه، تحت عنوان «بدون رعایت حقوق بشر، امنیت به وجود نمی‌آید» نیز حمایت و پشتیبانی کرد. کنفرانس مزبور با تصویب قرار دیگری، از اتحادیه خواست که علیه دولت ترکیه مبنی بر نقض حقوق بشر به مبارزه همه جانبه دست بزند. همچنین کنفرانس مقرر نمود که برای قطع شکنجه و فشار در ترکیه، از اتحادیه‌های اروپا و نهادهای بین‌المللی کمک گرفته شود.

در بخشی از این قطعنامه چنین آمده است: «از دولت ترکیه می‌خواهیم که از شکنجه و زندانی کردن اعضای احزاب و اتحادیه‌های کارگری دست بردارد... از تحت فشار قرار دادن احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و دیگر تشکل‌ها خودداری نماید... اعتصاب کارگران که حق طبیعی آنان است نباید مورد هجوم پلیس واقع شود... زنان و کودکان و مردانی که برای آزادی، در تظاهرات شرکت می‌کنند نباید مورد هدف گلوله‌های پلیس قرار گیرند. باید به چنین سیاست‌های پلیسی خاتمه داده شود. علاوه بر این کنفرانس تاکید نمود که باید از مردم کرد حمایت کرد زیرا که آنان برای حقوق عادلانه و حل مسئله

ملی خود مبارزه می کنند.» (۲۷)

قبلا نیز در ۴ ژوئیه ۱۹۹۷ دومین اتحادیه بزرگ انگلستان به نام «اتحاد عمومی سندیکاها» (G M B) دولت ترکیه را به خاطر ادامه شکنجه، سرکوب و کشتار مردم کرد محکوم کرده بود.

www.KetabFarsi.com

گزارش تحقیقی از کردستان ترکیه

پروفسور دکتر صباح الدین گوللو و دستیاران وی: استادیار دکتر سویل اون ار و دکتر بایرام کاجماز اوغلو، از دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه آتاتورک، در مورد مسئله «کوچ در کردستان ترکیه» تحقیق نموده‌اند. تحقیقی که در طول یک سال به سرانجام رسیده است. تحقیق در اغلب مناطق کردنشین و از جمله در شهرهای ارزروم، قارص، آغری، ارزینجان، وان و قصبه‌های وابسته به این شهرها به عمل آمده است که در مجموع بیش از ۳۴ شهر و ۱۱ قصبه را در بر می‌گیرد. پرسش شوندگان افراد گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله بوده و از ۲۰۹ زن و ۵۵۰ مرد عبارت بوده‌اند. یعنی یک گروه ۷۵۹ نفره زن و مرد، در این تحقیق مورد پرسش قرار گرفته‌اند. تحقیق معلوم می‌سازد که کم‌ترین درآمد سرانه ملی با رقم ۳/۸ درصد مربوط به مناطق کردنشین است. ۷۴/۷۵ درصد شاغلین در بخش کشاورزی کار می‌کنند. آمار سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ نشان می‌دهد که بالاترین رقم کوچ مردم، مربوط به مناطق کردنشین می‌باشد.

بر اساس آمارهای رسمی ۲۱ درصد مردم این مناطق بیسواد، ۷۲ درصد دارای سواد ابتدایی و یا دوره اول دبیرستان و تنها هفت درصد از اهالی از تحصیلات بالا برخوردار می‌باشند.

نزدیک به بیش از نصف مردم مناطق کردنشین زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در این تحقیق، تخلیه اجباری روستاها و خراب کردن منازل روستانشینان، مجبور کردن مردم به همکاری با نیروهای نظامی و نگهداران روستا و دولت، به عنوان عوامل اصلی کوچ مردم کردستان معرفی شده است.

شکل طبقاتی و درآمد

۲۱/۴ درصد مردم کردستان، از منبع کوچک دهقانی، زندگی خود را می‌گذرانند. شمار صاحبان مزارع و دامداری‌ها بسیار ناچیز است.

۲۰/۲ درصد زنان، خانه‌دار و یا بیکار می‌باشند. ۲۹/۵ درصد از زنان در بخش صنایع کوچک و تجارت و به ویژه در بخش خرده‌فروشی کار می‌کنند و تنها تعداد کمی در بخش صنایع و تجاری بزرگ مشغول به کار می‌باشند. ۱۵/۷ درصد از مردم منطقه در بخش دولتی شاغل بوده و بازنشستگانی که حقوق دریافت می‌کنند ۳/۶ درصد اهالی منطقه را تشکیل می‌دهند. همچنین معلوم شده است که بخش عظیمی از بازنشسته‌ها به مناطق دیگر ترکیه کوچ می‌کنند. تحقیق مزبور نشان می‌دهد که درآمد ۶۳ درصد مردم کرد نسبت به گذشته پایین آمده، ۲۵ درصد قادر به تامین زندگی خود هستند و تنها ۱۲ درصد از مردم درآمدشان بهتر شده است.

اکثر خانواده‌ها بیش از ۵ سرعائله دارند که بنا به همین تحقیق، هزینه معیشت ۶۷/۹ درصد خانواده‌ها را تنها یک نفر از اعضای آن تامین می‌نماید و ۲۱/۳ درصد را دو نفر از اعضای خانواده تامین می‌کنند...

گفته می‌شود بیش از نصف خانواده‌هایی که در کردستان زندگی می‌کنند نقشه کوچ از کردستان را در سر می‌پرورانند. ریشه و دلایل آن را باید در انواع فشارهایی که بر مردم آن منطقه وارد می‌گردد جستجو کرد و در رأس این فشارها، بی‌شک اختناق سیاسی قرار دارد.

در این میان کسانی که به شهرهای بزرگ کوچ کرده‌اند؛ در اثر بیکاری با مشکلات فراوانی دست به گریبان هستند و در حال حاضر اطمینانی به بهتر شدن وضع خود ندارند.

در گزارش، به افرادی که به دلایل تحصیلی کوچ می‌کنند نیز جای داده شده است. ۶۴/۴ درصد اظهار می‌دارند که امکانات آموزشی در این مناطق کافی نمی‌باشد.

آمار درصد گروه‌های سنی که قصد کوچ دارند چنین است: بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال ۵۷/۱ درصد، ۲۶ تا ۳۵ سال ۵۹/۵ درصد، ۳۶ تا ۴۵ سال ۵۴ درصد و بالای سن ۴۶ سال ۴۲ درصد. جوانان به خاطر آزادی بیشتر، زندگی در شهر و جاذبه شهرهای بزرگ و امکان رشد فرهنگی و اجتماعی بیشتر نقشه کوچ را در سر می‌پرورانند.

سرمایه‌داران و صاحبان صنایع در حال رشد نیز، سرمایه و امکانات خود را به خارج از کردستان انتقال می‌دهند و در نظر ندارند برنامه دراز مدتی برای استخدام و سرمایه‌گذاری در این منطقه داشته باشند.

نتیجه تحقیقات و پیشنهادات

بنا به همین گزارش، ۸۴ درصد از کسانی که آماده به کار هستند، اظهار می‌دارند که دولت به اندازه کافی خدمات اجتماعی را به این منطقه اختصاص نمی‌دهد. این هم یکی از عوامل اصلی و مهم کوچ مردم از کردستان به شمار می‌آید. به طور طبیعی، انسان‌ها دوست دارند در مناطقی زندگی کنند که فشار کم‌تر و آزادی بیشتر باشد.

در این گزارش پیشنهاد می‌شود که دولت برنامه اقتصادی ویژه‌ای را باید با توجه به شرایط عمومی کشاورزی و دامپروری منطقه در نظر بگیرد. در این گزارش چنین پیشنهاد می‌شود: «به فشارهای سیاسی کردستان خاتمه داده شود، ممنوعیت‌ها لغو گردد، به اماکن صنفی موجود اهمیت بیشتری داده

شود، افرادی که سطح درآمدشان پایین است از پرداخت مالیات معاف گردند، به خدمات عمومی اهمیت ویژه داده شود و سیاست جلب توریسم به طور جدی مورد توجه قرار گیرد...» (۲۸)

تحقیق فوق، قطعا یک تحقیق پایه‌ای و همه جانبه‌ای نیست که در آن سیاست‌های میلیتاریستی دولت‌های ترکیه، بر علیه مردم ستم دیده و محروم کرد، روشن شده و در پرتو آن از مبارزه عادلانه آنان برای رفع ستم ملی، تبعیض و آزادی و برابری حمایت شود. اما علیرغم این محدودیت و با در نظر گرفتن سانسور و اختناق پلیسی در ترکیه، تحقیق بالا نشان دهنده این واقعیت است که دولت این کشور، چه بی‌حقوقی و ستم عظیمی را به مردم حق طلب کرد تحمیل می‌کند.

www.KetabFarsi.com

بخش دوم:

تروریسم دولتی و عبدالله اوجالان

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

ورود اوجالان به ایتالیا و وقایع بعد از آن

در سپتامبر ۱۹۹۸ بر اثر لشکرکشی ترکیه به مرزهای سوریه، روابط دو کشور به شدت تیره شد و تا حد بروز جنگ پیش رفت. نیروهای مسلح دو طرف به حالت آماده باش در آمدند. دولت ترکیه خواهان تحویل اوجالان به ترکیه و یا اخراج وی از سوریه بود. افزودنی است که اختلاف ترکیه و سوریه، یک اختلاف تاریخی و قدیمی است و دو کشور بر سر آب فرات و تقسیم آب‌های طبیعی و مرز مشترک، سال‌هاست که کشمکش دارند. دولت سوریه مدعی است که دولت ترکیه قوانین بین‌المللی را در مورد تقسیم آب‌های طبیعی بین دو کشور نقض کرده است. دولت ترکیه هم متقابلاً ادعا می‌کند که دولت سوریه به «آسالا» (ارتش سری ارمنی‌ها) و «پ.ک.ک.» کمک می‌کند و اجازه می‌دهد این احزاب از طریق آن کشور، امنیت ملی و تمامیت ارضی ترکیه را مورد تهدید قرار دهند. در این میان عبدالله اوجالان، در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۸ سوریه را مخفیانه ترک نمود و روز ۱۳ دسامبر ۱۹۹۸ وارد فرودگاه رم شد. وی پس از مدت کوتاهی بعد از ورود به فرودگاه رم، از دولت ایتالیا، درخواست پناهندگی سیاسی نمود.

دولت ترکیه، بلافاصله دست به کار شد و از دولت ایتالیا درخواست نمود که اوجالان را به دلیل فعالیت‌های تروریستی تحویل ترکیه نماید. از سوی دیگر از آنجا که دادستان کل آلمان نیز در اوایل دهه ۹۰ حکم دستگیری اوجالان را صادر کرده بود؛ این احتمال می‌رفت که دولت آن کشور نیز تقاضای استرداد اوجالان را از دولت ایتالیا بنماید.

مفسرین سیاسی و برخی از روزنامه‌ها به تحلیل و تفسیر حول موقعت اوجالان و وقایعی که به دنبال آمدن وی به ایتالیا روی خواهد داد، پرداختند.

به ویژه روی این احتمال که اگر اوجالان برای محاکمه به دولت آلمان تحویل داده شود، عکس العمل بیش از نیم میلیون کرد ساکن آلمان چه خواهد بود؛ گمانه زنی‌ها می‌شد. دولت ترکیه نگران بود که دادگاه اوجالان در آلمان، به یک تریبونال بین‌المللی علیه دولت ترکیه و به نفع مردم کرد تمام شود. روزنامه‌های ترکیه در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۸ به دنبال ملاقات رهبران ایتالیا و آلمان و مذاکره آنان پیرامون محاکمه احتمالی اوجالان در یک دادگاه اروپایی چنین نوشتند: «مقامات آنکارا نگران آن هستند که با طرح چنین مسئله‌ای، نه اوجالان، بلکه دولت ترکیه بر صندلی اتهام نشانده شود و اوجالان تبرئه گردد.» (۲۹)

مسئله نگرانی مقامات دولت ترکیه کاملاً به جا بود. به دلیل این که اگر چنین دادگاهی برگزار می‌شد، دولت ترکیه به عنوان عامل اصلی آوارگی و کشتار مردم کرد و سرکوب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در ترکیه، ده‌ها برابر بیشتر از اوجالان محکوم می‌گردید!

اساساً عملکرد احزابی مانند پ.ک.ک. قبل از هر چیز محصول اختناق است که از طریق دولت سرکوبگر و زورگو اعمال می‌گردد.

حسن دنیزکوردو وزیر وقت دادگستری ترکیه، در ۲۷ نوامبر ۹۸ در یک مصاحبه مطبوعاتی در رابطه با محاکمه اوجالان در یک دادگاه اروپایی می‌گوید: «ما نتایج دادگاه‌های پیشین را دیده‌ایم. ترکیه به برپایی چنین دادگاهی تمایل ندارد. ما خواهان این هستیم که اوجالان به ترکیه تحویل داده شود. اروپائیان از «جرم علیه بشریت» سخن می‌گویند. این سخن دارای مفهوم پیچیده‌ای می‌باشد و ممکن است سال‌ها طول بکشد. اما خواست ترکیه روشن است: اوجالان باید به عنوان یک تروریست محاکمه شود. او چنین اعمالی را در ترکیه مرتکب شده است. بنابراین می‌باید در ترکیه محاکمه شود. او باید

به ترکیه تحویل گردد.» (۳۰)

در این میان یکی از مقامات وزارت امور خارجه آلمان، به روزنامه نگاران گفت: «عبدالله اوجالان بنا به درخواست دولت آلمان، در ایتالیا، بازداشت شده است.» اما وی بلافاصله افزود که «هنوز دادستان کل کشور تصمیم قطعی مبنی بر استرداد اوجالان، اتخاذ نکرده است.»

شاخه نظامی پ.پ.ک. با صدور اطلاعیه‌ای در تاریخ سیزده دسامبر ۹۸، اعلام کرد که: «رهبر ما آپو» با اطلاع قبلی دولت ایتالیا، وارد آن کشور شده است. اکنون دولت ایتالیا در چهارچوب قوانین خود مسئله را تحت رسیدگی قرار می‌دهد.» (۳۱)

عبدالله اوجالان، حضور خود در ایتالیا را با صدور یک اطلاعیه کتبی اعلام کرد. وی در این اطلاعیه نیز تاکید نمود که با توافق قبلی مقامات ایتالیا، وارد آن کشور شده است. در بخشی از اطلاعیه اوجالان چنین آمده است: «... در ارتباط با اقامت سیاسی‌ام در ایتالیا، مسائل حقوقی و اداری در حال بررسی است، اما هنوز زود است که در مورد پیشرفت کار و معایب و محاسن آن اظهار نظر نمود. مردم مان، دوستان مان، تمام افکار عمومی و همه کسانی را که در این امر تلاش می‌کنند فرا می‌خوانم تا مسئله را از نزدیک تعقیب کنند و هوشیار باشند...»

در چنین شرایطی دولت ترکیه اعلام کرد که اعاده اوجالان را از دولت ایتالیا، درخواست کرده است. نخست وزیر ترکیه، صبح روز سیزده دسامبر ۹۸، فاش کرد که در مورد اوجالان، با «Lebedev» سرکنسول فدراسیون روسیه، در آنکارا دیدار کوتاهی داشته است. در آن ملاقات سرکنسول روسیه، به وی اطمینان داده که دولت روسیه اوجالان را اخراج کرده است و هرگز اجازه بازگشت به آن کشور را به وی نخواهد داد.

عبدالله اوجالان، به همین دلایل در ایتالیا، احساس خطر می کرد. این امر را از نامه ای که وی به دادگاه ایتالیا نوشت، می توان تشخیص داد: «دادگاه رم و دادستان محترم! در رابطه با تقاضای پناهندگی سیاسی ام علاقه دارم در دادگاه حضور پیدا کنم و در یک جلسه خصوصی، وقایعی را که شاهد آن بوده ام تشریح نمایم. من در اثر احساس ناامنی و فشارهای روحی، مجبور شدم از سیستم امنیتی ایتالیا، دور بمانم. این خواست من نبود بلکه اجبار بود. اکنون جمهوری ترکیه به شیوه غیر قابل تصویری مرا تحت تعقیب قرار داده و هدف اصلی شان دستگیری یا کشتن من است. بلنت اجویت نخست وزیر ترکیه که در تعقیب من است اعلام کرده است که به هدف شان بسیار نزدیک شده اند. مطبوعات ترکیه نیز، از خبرهایی در باره من انباشته است. اما خطر ابعاد گسترده ای به خود می گیرد. بنابراین نتیجه دادگاه شما از زوایای انسانی و حل مسئله کرد، بسیار مهم و تاریخی خواهد بود.»

سرانجام دولت ایتالیا، درخواست پناهندگی سیاسی اوجالان را رد کرد و با این عمل خود، رسماً نشان داد که کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو را در قبال درخواست پناهندگی اوجالان، زیر پا می گذارد. دولت های غرب هم در این رابطه سکوت کردند. حقیقتاً سال هاست که مفاد کنوانسیون ژنو مبنی بر پذیرش پناهندگان سیاسی را دولت های به ظاهر دموکراتیک، به طور غیر رسمی به بایگانی سپرده اند و عملاً به دنبال منافع اقتصادی و سیاسی خود می باشند تا دفاع از حقوق انسان ها در چهارچوب قوانین بین المللی که ظاهراً قبول دارند. از سوی دیگر اما، دولت ایتالیا، اوجالان را به دولت آلمان، تحویل نداد و یا دولت آلمان استرداد اوجالان را به صلاح خود ندید. از همه مهم تر این امر بود که اوجالان را به دولت ترکیه نیز تسلیم نکردند. اما وی را مجبور کردند، ایتالیا را ترک نماید. وقایع بعدی نشان داد که دولت های غرب و پلیس های

مخفی آنان چه سناریوهایی را تدارک دیده بودند و چه دامی برای به شکار انداختن اوجالان چیده بودند؟! و یا چه توافقاتی بر سر او در پشت پرده در جریان بوده است؟! به احتمال قوی، پیچیده کردن مسئله به منظور منحرف کردن افکار عمومی و جلوگیری از گسترش اعتراضات مردم بود!

روز ۲۵ نوامبر ۱۹۹۸ دولت ایتالیا رسماً اعلام کرد که به اوجالان پناهندگی سیاسی نمی‌دهد. بنابراین او باید ایتالیا را ترک نماید! در نتیجه اوجالان در ۲۸ دسامبر ۹۸ به روسیه و سپس به اوکراین و استونی رفت و دوباره به ایتالیا برگشت و در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۹ ایتالیا را مجدداً ترک نمود. در روز دوم فوریه ۹۹ هواپیمای حامل اوجالان در فرودگاه جزیره «کورفو» - یکی از جزایر یونان - به زمین نشست. دولت یونان به اوجالان پیشنهاد کرد که از کورفو به یکی از سفارت‌های یونان در یکی از کشورهای آفریقایی برود تا فرصت کافی برای دریافت پناهندگی سیاسی از کشوری ثالث امکان‌پذیر شود. اوجالان چاره‌ای جز پذیرفتن چنین پیشنهادی نداشت. علاوه بر آن احتمالاً وی به حمایت دولت یونان خوشبین و متوهم بود. اوجالان به نایروبی پایتخت کنیا رفت و چند روزی از اقامت وی در سفارت یونان در نایروبی نگذشته بود که او را به بهانه این که به فرودگاه می‌برند تا از آنجا اعزام هلند شود، در فرودگاه به کومانده‌های ویژه ترکیه تحویل دادند که، با هواپیمایی اختصاصی، انتظار او را می‌کشیدند. این سناریویی بود که از سوریه تا کنیا برای اوجالان نوشته بودند.

به دنبال دستگیری اوجالان، روزنامه‌های آمریکایی با برخی از مقامات آن کشور مصاحبه‌هایی را در رابطه با ماجرای دستگیری اوجالان کردند.

روزنامه واشنگتن پست با درج تفسیری از این واقعه نوشت: «دستگیری اوجالان، نتیجه کوشش‌های ۴ ماهه دولت‌های آمریکا و ترکیه، برای بازداشتن

کشورها از پناهندگی دادن به اوجالان بود.» یک مقام آمریکایی اظهار نمود: «ما از ژانویه برای دستگیری اوجالان و سپردن او به دست عدالت با بسیاری از دولت‌ها در تماس بودیم.»

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نیز، پیرامون واقعه اوجالان نوشت: «کنیا، برای مخفی شدن اوجالان بد شانسی آورد. به دلیل این که یک صد تن از ماموران مخفی آمریکا برای تحقیق پیرامون انفجار سفارت آن کشور در سال گذشته در نایروبی، پایتخت کنیا، به سر می‌بردند. کشف محل اقامت اوجالان، برای آنان زیاد طولانی نشد. تلفن‌های مداوم اوجالان، تحت کنترل آنان قرار داشت. اوجالان توسط پلیس کنیا دستگیر و در فرودگاه نایروبی به ماموران دولت ترکیه تحویل داده شد.»

از اظهار نظر این روزنامه، به روشنی پیداست که دست کم سازمان سیا، سازمان امنیت ترکیه (صیت) و پلیس کنیا، در دستگیری و انتقال اوجالان به ترکیه با هم همکاری داشتند.

دستگیری اوجالان و اظهار نظر مقامات ترکیه

بلنت اجویت نخست وزیر ترکیه، روز ۱۶ فوریه ۱۹۹۹ طی یک کنفرانس مطبوعاتی خبر دستگیری و انتقال اوجالان به ترکیه را فاش کرد. بنا بر اظهار اجویت، اوجالان در نایروبی پایتخت کنیا دستگیر شد و توسط ماموران سازمان امنیت ترکیه (میت) به ترکیه منتقل گردید. اجویت، در این کنفرانس مطبوعاتی که برخی از مدیران رده بالای میت نیز در کنارش نشسته بودند؛ به خبرنگاران گفت:

«... سرانجام ترکیه، موفق شد اوجالان را به اسارت خود در آورد. ما قبل از این اعلام کرده بودیم که وی را در هر نقطه جهان که باشد به دام خواهیم انداخت. ما به این گفته خود عمل کردیم. اوجالان در برابر قوانین ترکیه و دادگاه مستقل ترکیه پاسخگوی اعمال خود خواهد بود. دستگیری اوجالان، نتیجه یک تعقیب و گریز دوازده روزه بسیار محرمانه‌ای است که در کشورهای مختلف دنبال گردید. از این ماجرا تنها ده تن از مقامات ترکیه با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی شدید، آگاه بودند.» (۳۲)

هیات دولت نیز چند ساعت بعد از انتقال اوجالان به ترکیه، در ساعت چهار بعداز ظهر ۱۶ فوریه ۹۹، در یک نشست فوق‌العاده گرد هم آمدند. در این نشست بلنت اجویت نخست وزیر، چگونگی دستگیری اوجالان و وقایع احتمالی بعد از آن را تشریح کرد. وی مطالبی را از جمله در پیرامون قانون ندامت، مسائل اقتصادی شرق کشور (آناطولی) و اتخاذ تدابیر امنیتی لازم به اطلاع هیات دولت رساند. حکمت اولوقبای معاون نخست وزیر نیز، طی سخنانی گفت: «از همه افرادی که در دستگیری اوجالان نقش داشتند، تشکر می‌کنم... اوجالان در مقابل قضات مستقل ترکیه، حساب پس خواهد داد... او سبب شده

است که بسیاری از خانواده‌ها در درد و غم، زندگی کنند و هزاران نفر جان خود را از دست دهند. از جمله بچه‌ها و زنان باردار. اوجالان عامل اصلی این مسائل و بسیاری از مسایل دیگر است.» (۳۳)

لازم به یادآوری است که معاون نخست وزیر از یک سو از دستگاه قضایی مستقل ترکیه دم می‌زند که قرار است اوجالان را محاکمه نماید و بعد از محاکمه جرم او اعلام شود. اما از سوی دیگر، تبلیغاتی را در مقام عالی دولتی علیه اوجالان راه می‌اندازند، که در ترکیه تنها بخشی از همه آن جرایمی که او به اوجالان نسبت می‌دهد، مشمول حکم اعدام می‌شوند. این امر قبل از هر چیز ورشکستگی سیستم قضایی این کشور را نشان می‌دهد. در حقیقت سیستم اداری و قوه قضائیه، بخشی از روبنای سیاسی بورژوازی حاکم در هر کشور است که تنها منافع اقتصادی و سیاسی طبقه حاکم را مد نظر دارد. علاوه بر این در دادگاهی که قرار است اوجالان را محاکمه نماید، هر چند که ظاهراً ژنرال‌ها و نظامیان، قاضی و وکیل و... نیستند، اما سیاستی که بر دستگاه قضایی کشور حاکم است همان قوانین نظامی و امنیتی است که بعد از کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ ژنرال‌ها به نام «دادگاه امنیت ملی» ابداع شده است. بنابراین کسانی که با سیستم قضایی ترکیه و قوانین و موازین حقوقی آن کشور آشنا بودند روابط و مناسبات اجتماعی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی نظام آن کشور را می‌شناختند، به خوبی می‌دانستند که اگر اوجالان، به اسارت دولت ترکیه در آید؛ بدون هیچ اما و آگری به اعدام محکوم خواهد شد. در واقع سیستم قضایی ترکیه، اصل را بر برانته «متهم» نمی‌گذارد تا اثبات آن را جزو وظایف قضایی بداند. بلکه برعکس از قبل شخص را متهم می‌کند و در زیر شکنجه از او اقرار می‌گیرد، پرونده سازی می‌کند و سپس فرد را به عنوان متهم، به دادگاه می‌فرستد که از قبل در

زیر شکنجه مجبور به امضای اوراقی شده است که او را مجرم نشان می‌دهد؟! مسئله به قدری روشن است که مقامات دولتی در رابطه با اوجالان، ملاحظات قوانین بین‌المللی را کنار گذاشتند و مستقیم و غیر مستقیم اعدام اوجالان را با بوق و کرنا اعلام کردند.

روزنامه حریت در شماره ۱۷ فوریه ۹۹ خود، طی مقاله‌ای تحت عنوان «بیوگرافی یک قاتل کودکان، تابلوی ترور» نوشت: «از سال ۱۹۸۴، یعنی از زمانی که پ.ک.ک. عملیات خونین خود را آغاز کرد، تاکنون، تعداد زیادی از شهروندان را به قتل رسانده است که در میان آنان سرباز، غیر نظامی، نگهبان ده، معلم و کودکان خردسال نیز، وجود دارند. حدود ۹۸۷۱ شهروند را قتل عام کرده‌اند. این سازمان تروریستی عملیات خود را از سال‌های ۱۹۹۲ افزایش داد: ۱۹۹۲ (۱۲۶۴ نفر)، ۱۹۹۳ (۲۱۳۷ نفر) ۱۹۹۴ (۱۸۹۰ نفر)، ۱۹۹۵ (۱۰۰۱ نفر)، ۱۹۹۶ (۷۶۷ نفر)، ۱۹۹۷ (۵۸۰ نفر) و در سال ۱۹۹۸ در عرض ده ماه ۳۹۸ نفر از شهروندان را به قتل رساند.

در حملات نظامی نیروهای مسلح ترکیه به سازمان تروریستی تجزیه طلب پ.ک.ک. ۱۷۸۷۸ نفر تروریست کشته شده و ۶۱۴ تروریست نیز زخمی به اسارت در آمده‌اند. در این حمله‌ها ۴۸۷۷۹ نفر تروریست سالم دستگیر گردیده و ۲۰۳۹ نفر تروریست هم خود را به مقامات دولتی تسلیم کرده‌اند. از تعداد ۵۰۳۱ شهروندی که سازمان تروریستی ربوده است، تنها ۲۶۸۵ نفر برگشته‌اند.» (۳۴)

در این دوره، روزنامه‌های رسمی ترکیه، از این تبلیغات زهر آگین، تحریک آمیز و مسموم کننده افکار عمومی انباشته هستند. مثلاً اگر فردی از پرسنل ارتش کشته شود، با سوز و گداز لقب «شهید» به او می‌دهند، اما اگر، چریک پ.ک.ک. کشته شود، می‌نویسند: «تروریست به سزای اعمال خود

رسید»، آن‌ها «تجزیه طلب» و «خائن» به وطن هستند که «حافظان تمامیت ارضی کشور» و «وطن پرستان» را به قتل می‌رسانند؟! روزنامه‌ها با این القاب و عناوین و گفته‌ها و نوشته‌ها سعی می‌کنند احساسات شوینیستی را بر علیه مردم کرد و مبارزه حق طلبانه آنان تحریک نمایند. حمله تعدادی فاشیست به منازل کردها در شهر ازمیر نمونه‌ای از این تحریک‌هاست. بنا به گزارش مطبوعات، در اثر این حمله فاشیستی، خانه‌های مردم که اکثراً آنان کارگران کرد بودند به آتش کشیده شد!

www.KetabFarsi.com

جزیره ایمرالی در انتظار اوجالان

هم‌زمان با اسارت اوجالان و انتقال او به ترکیه، تحرک زیادی در جزیره «ایمرالی» وجود داشت. ناوهای جنگی و قایق‌های تندرو نیروی دریایی در اطراف جزیره، به حال آماده باش درآمدند و هر نوع حرکتی را زیر نظر داشتند. علاوه بر این، ۲۴۷ نفر زندانی این جزیره نیز تخلیه گردیدند و به زندان‌های دیگر فرستاده شدند. ۵۰۰ ژاندارم برای تقویت نیروهای مستقر در جزیره، وارد آن‌جا شدند. زندان این جزیره شهرت فراوانی دارد. به دلیل این‌که زندانیانی چون «ییلماز گونی» کارگردان مشهور چپ ترکیه، «ابراهیم بالابان» هنرمند و نقاش معروف و... در آن جزیره زندانی بوده‌اند. «ییلماز گونی» و تعدادی از زندانیان موفق شدند از آن‌جا فرار کنند. بدین ترتیب بود که جزیره «ایمرالی» این بار انتظار عبدالله اوجالان را می‌کشد!

هم‌اکنون اوجالان در این جزیره کاملاً ایزوله شده، زندانی است. گرچه زندانیان این جزیره نسبت به زندان‌های معمولی از آزادی بیشتری برخوردار هستند و می‌توانند از هوای آزاد بیشتری در مقایسه با زندان‌های دیگر استفاده کنند، اما اوجالان تنها زندانی در آن، به طور مداوم زیر تحقیر و توهین نیروهای نظامی و پلیس فاشیست قرار دارد که عوارض و عواقب ناگوار روحی و روانی به دنبال خواهد داشت. این جزیره و ماجراهای زندانیان آن در دوره‌های مختلف تاریخی، انسان را ناخودآگاه به یاد فیلم «پاپیون» می‌اندازد!

کمیته مرکزی پ.ک.ک. با انتشار بیانیه‌ای در تاریخ ۱۸ فوریه که از «MED _ TV» پخش گردید اعلام نمود: «بدون آپو و بدون پ.ک.ک. حل مسئله کرد در هیچ‌جا و هیچ‌زمان امکان پذیر نخواهد بود... همه کسانی که می‌خواهند مسئله کرد حل شود، باید هر چه زودتر با عبدالله اوجالان

وارد گفتگو و مذاکره شوند. تنها یک فرمان وجود دارد و آن هم فرمان آپو است. آنچه که ما و خلقمان وظیفه خود می‌دانیم، اجرای دستورات رهبرمان می‌باشد. دستورات تاکتونی، زمانی لغو خواهد شد که رهبر ما «آپو» دستور دیگری صادر نماید.» همچنین در این بیانیه تاکید می‌شود: «در کردستان و در کل ترکیه، هر نوع شدت عمل به خرج دادن مشروع و برحق است. هر نوع حرکت علیه مردم کرد، چه نظامی باشد و چه شخصی و یا توسط نهادها، سازمان‌ها و شخصیت‌ها، مورد هدف ما قرار خواهند گرفت.» در این بیانیه دولت‌های کنیا و یونان نیز دشمنان مردم کرد معرفی شده‌اند. (۳۵)

«مراد کاراییلان» عضو رهبری پ.ک.ک. نیز در مصاحبه خود با «MED _ TV» به دولت ترکیه چنین هشدار داد: «کلیه چریک‌های پ.ک.ک. شاگردان فدائی آپو هستند. در مقابل همه این وقایع پیش آمده فلاکت فزاینده‌ای در راه است.»

بیانیه عبدالله اوجالان، از زندان

به راستی کوشش بسیار شده است تا تمام اظهارات این جانب در مطبوعات و رسانه‌های جمعی به شدت تحریف و از آن سوء برداشت شود. با این که در حال حاضر در برهه‌ای از زمان قرار داریم که همه به انجام عملکردی مسئولانه فرا خوانده می‌شوند. این در حالی است که گزارش‌های رسانه‌های جمعی مربوط به وضعیت این جانب صحت ندارد. به ویژه این جانب نسبت به بیانات و عملکردهای رسانه‌ها به نحوی که ترک‌ها را به ستیزه‌جویی در قبال کردها سوق می‌دهد، اعتراض دارم. بنابراین مایلم موقعیت و وضعیت واقعی خود را روشن نمایم.

الف - به نوشته‌ای (اعلامیه‌ای) که به دنبال صدور آن، آتش‌بس اعلام شده در سپتامبر ۱۹۹۳ را اعلام کردیم؛ بیانیه‌ای دیگر در خصوص آتش‌بس اعلام شده در سپتامبر ۱۹۹۸ اضافه گردید و من وظیفه دارم که به آن اظهارات و نقطه نظرات پای‌بند باشم. در مدت زمان حبس، برای مقامات روشن کردم که این موضوع، اساس دفاعیات من در دادگاه خواهد بود.

این نکته حائز اهمیت است که این موضوع از سوی رسانه‌های جمعی، در تفسیرها، مباحثات سیاسی و گزارش‌های دیگر مطبوعات به طور عینی ارائه شود. این موضوع ارتباطی با اسارت یا آزادی این جانب ندارد، بلکه بیانگر درکی واقعی از روند سیاسی دموکراسی صلح آمیز پ.ک.ک. است که بایستی کانون تمام واقعیت‌های سیاسی و دیپلماسی دولت قرار بگیرد. قابل قبول نیست که این‌ها نادیده انگاشته شوند. اعتقاد دارم که این نگرش هنوز صحیح و دارای اعتبار است، حداقل تا پایان انتخابات (پارلمانی) ترکیه. به همین دلیل تاکید می‌کنم که این موضوع بسیار حائز اهمیت است که انتخابات

هجدهم آوریل در فضایی آزاد و دموکراتیک برگزار شود.

ب- اصلاً آتش بس یکم سپتامبر بایستی مورد توجه تمام احزاب درگیر قرار گیرد.

ج- مبارزه‌ای گسترده برای دستیابی به صلح، دموکراسی و برابری بایستی پایه تمام فعالیت‌های داخلی کشور باشد. مبارزه من، مبارزه در جهت برقراری دموکراسی و صلح پایدار است. در ترکیه میان کسانی که در جست و جوی صلح و برقراری دموکراسی هستند و آنان که دموکراسی و صلح را نمی‌خواهند، مبارزه وجود دارد.

د- اگر دولت ترکیه نسبت به حفظ امنیت ملی نگرش مثبتی داشته باشد و در جهت یافتن راه حل سیاسی و قانونی گام‌هایی بردارد؛ فرصت‌هایی تاریخی مهیا می‌شود.

ه- در قبال این سابقه تاریخی، از تمام ملل اروپایی و جهان متمدن و مردم دموکرات دعوت می‌نمایم که مسئولیت تاریخی خویش را درک کرده و تصمیمات پارلمان اروپا در بیست و پنجم فوریه ۱۹۹۹ را آشکارا عملی سازند. یعنی یافتن راه حلی بر پایه وحدت و آزادی در ترکیه که صلح و دموکراسی واقعی را تضمین نماید و شرایطی را فراهم کند تا تمام مردم در همزیستی مسالمت‌آمیز در آرامش باشند. تحقق این امر آرزوی قلبی ما نیز هست.

این اظهارات را صادقانه به عموم مردم و مطبوعات تقدیم می‌کنم. (۳۶)

عبدالله اوجالان - زندان ایمرالی

عکس العمل مردم و پ.ک.ک.

دستگیری عبدالله اوجالان در نایروبی پایتخت کنیا و استرداد او به ترکیه موجی از اعتراض مردم کرد و انسان‌های آزادیخواه جهان را برانگیخت. ده‌ها هزار نفر در شهرهای بزرگ اروپا در اعتراض به تروریسم دولتی، آدم‌ربایی آشکار و در دفاع از حقوق مردم کرد و نیز از جان و حقوق انسانی شخص اوجالان، به خیابان‌ها ریختند. اکثر این تظاهرات در برابر سفارت و کنسولگری یونان، اسرائیل و ترکیه برگزار می‌شد.

حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک.) نیز به دنبال دستگیری رهبرشان، دست به کمپین وسیع سیاسی و اجتماعی زد. عثمان اوجالان برادر عبدالله اوجالان، عضو دفتر سیاسی آن حزب، در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود، بعد از دستگیری برادرش گفت: «مبارزه ما با اسارت اوجالان، خاتمه نخواهد یافت. غیر از عبدالله، پ.ک.ک. ۲۶ رهبر دیگر نیز دارد. بنابراین ما مشکل رهبری نداریم... دولت ترکیه، فکر می‌کند با اسارت عبدالله، جنبش کردها نیز خاتمه پیدا خواهد کرد. چنین تصویری باطل است و تنها خشم هر چه بیشتر کردها را بر می‌انگیزد.»

از طرف دیگر جمیل بایبک نیز به نام کمیته مرکزی پ.ک.ک. اسارت عبدالله اوجالان را یک توطئه بین‌المللی خواند و خطاب به مردم کردستان گفت: «هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابل این حرکت پر افتخاری که بر پا شده است، ایستادگی نماید.» وی اضافه کرد: «اوجالان چنین روزهایی را پیش بینی کرده بود. در نتیجه، حزب و مبارزین آزادی تمام تدابیر او را در نظر گرفته‌اند که در نتیجه کمبودی وجود نخواهد داشت. امروز هر انسان کرد، خود را یک جانشین برای آپو (عبدالله اوجالان) شدن می‌داند. آپو و مردم کرد، یک پارچه

هستند! بنابراین هر کرد را باید یک آپو دید. اعلام می‌کنیم که ما، به مثابه مبارزین آزادی، همه توان خود را در این راه به کار خواهیم بست. دیر یا زود پیروزی با ما و خلق مان خواهد بود! زنده باد آپو رهبر ملی مان، زنده باد مبارزه مستقل مان برای آزادی!»

موضوعی جمیل بایک ابتدا از تلویزیون پ.ک.ک. «MED - TV» پخش گردید و سپس تلویزیون‌های «ARD, BBC, CNN» و... آن را پخش کردند.

بعد از دستگیری اوجالان، علاوه بر اروپا، مردم کرد، در برخی از شهرها و قصبات کردستان و شهرهای بزرگ ترکیه، از جمله استانبول نیز، به عناوین مختلف دست به اعتراض زدند. در محلات مختلف شهر «باتمان» (یکی از شهرهای کردنشین) هزاران نفر تظاهرات کردند. بنا به نوشته روزنامه «اوزگور پلیتیکا»، روز ۱۸ فوریه ۹۹ در محله ایپراگاز، نزدیک به ۲۰۰۰ نفر در حمایت از اوجالان تظاهرات کردند. سرانجام اکیپ‌های ویژه امنیتی و ارتش به تظاهرات حمله نمودند و در اثر تیراندازی، پنج نفر از مردم معترض را به قتل رساندند و ۳۵ نفر دیگر را نیز زخمی کردند. در این حمله وحشیانه پلیس و ارتش، صدها نفر نیز دستگیر شدند. شایان ذکر است که در اثر مقاومت مردم، تعدادی از نظامیان نیز، زخمی گردیدند. بعد از خاتمه تظاهرات، شهر به حالت فوق‌العاده نظامی درآمد. اما علیرغم تدابیر امنیتی، در محل «پترول کنت» این شهر هم بیش از دو هزار و پانصد نفر در تظاهرات شرکت کردند. این تظاهرات تا ده شب ادامه داشت که با حمله پلیس، درگیری بین مردم از یک طرف و نیروهای امنیتی از طرف دیگر آغاز گردید که در خاتمه صدها نفر دستگیر شدند. در محله «فاتح» نیز صدها نفر تظاهرات کردند که در اثر حمله پلیس، تعدادی زخمی و دستگیر شدند. تمام شب در شهر «سیلوان»، تظاهرات بود. درخاتمه تظاهرات، پلیس هفت نفر را بازداشت نمود. در طول

روز در محلات مختلف این شهر تظاهرات ادامه داشت. در این تظاهرات متعدد، ۳۰۰ نفر بازداشت شدند. در شهر «اورفا» نیز، هزاران نفر دست به تظاهرات زدند. در این شهر کسی دستگیر نشد. در شهر «وان»، تظاهرات مردم در اثر حمله نیروهای نظامی خاتمه یافت، اما تعقیب مردم معترض در کوچه‌های این شهر تا ساعت‌ها ادامه داشت. در استانبول و چند شهر دیگر ترکیه نیز اعتراضاتی صورت گرفت. (۳۷)

در شهرهای اروپا، تظاهرات و اعتراضات مختلفی برگزار شد. صدها نفر از مردم خشمگین به سفارت اسرائیل در شهر برلین حمله کردند. مأموران امنیتی سفارت با سلاح‌های صدا خفه کن مستقیماً به سوی مردم معترض تیراندازی کردند. در اثر این تیراندازی پنج نفر جان خود را از دست دادند و بیست نفر دیگر زخمی گردیدند که حال ۹ تن بسیار وخیم اعلام شد. هزاران نفر بعد از این واقعه، روز ۱۸ فوریه ۹۹ در برلین، تجمع نمودند تا دست به تظاهرات بزنند؛ اما وزارت کشور آلمان فدرال، تظاهرات را غیر قانونی اعلام کرد و پلیس مانع تظاهرات شد. در اشتوتگارت بیش از سه هزار نفر راهپیمایی کردند. در حین تظاهرات بیست نفر وارد دفتر حزب سبزها در آن شهر شدند و آن محل را به اشغال خود در آوردند. تعدادی در مقابل ساختمان حزب سبزها تجمع کردند و از اشغال دفتر آن حزب حمایت نمودند. در پاریس ۲۵۰۰ نفر دست به اعتراض زدند. در آتن در مقابل پارلمان یونان، پلیس به تظاهرکنندگان حمله کرد و تعدادی از آنان را سوار اتوبوس‌ها نمود و با خود برد. در این میان یک نفر با پاشیدن بنزین خود را آتش زد. تعدادی هم در درگیری با پلیس زخمی شدند. روز هفدهم فوریه ۹۹ تظاهراتی در مقابل سفارت یونان در لندن برگزار شد. در این تظاهرات دختر ۱۵ ساله‌ای بنام «نجلا کان تپر» با پاشیدن بنزین خود را آتش زد. وی در حالی که سوختگی

عمیقی داشت به بیمارستان انتقال داده شد. در بین ۷۰ نفر دست به اعتصاب غذا زدند. در کلن هزاران نفر در مقابل حزب حاکم - حزب سوسیال دموکرات - تجمع کردند. پلیس به تظاهرات حمله کرد، ده تن از تظاهر کنندگان زخمی شدند و ۳۰۰ نفر نیز بازداشت گردیدند. در شهر برمن، دو شرکت توریستی مورد حمله قرار گرفت و تخریب گردید. در اتریش حدود ۶۰ نفر تلاش کردند از صف ماموران امنیتی بگذرند تا دفتر سازمان ملل را اشغال نمایند. همچنین در تظاهرات دیگری دفاتر حزب سوسیال دموکرات و حزب محافظه کار خلق اتریش، اشغال شد. در شهر تامبو در روسیه، حدود دو هزار نفر تظاهرات نمودند. در توکیو در مقابل سفارت یونان یک حرکت اعتراضی ۶ ساعته برگزار شد. در پایتخت قزاقستان، آلماتا، نیز صدها نفر تظاهرات کردند. در شهر وین، سفارت یونان به مدت ۱۹ ساعت به اشغال معترضین درآمد. در شهر مارسل در فرانسه، دفتر حزب سوسیالیست اشغال شد. هزاران نفر در در استراسبورگ، در مقابل شورای پارلمان اروپا، دست به تظاهرات زدند. در اطراف این ساختمان پلیس فرانسه، تدابیر امنیتی شدیدی را به کار بسته بود. «هانس کروگر» معاون شورای اروپا، با هیاتی از تظاهر کنندگان به مذاکره نشست. در پایتخت ارمنستان، در مقابل دفتر سازمان ملل، تعدادی دست به اعتصاب غذا زدند. در بلژیک نیز آژانس مسافرتی ترکیه، با کوکتل مولوتف مورد حمله قرار گرفت. ۱۹ فوریه ۹۹ در شهر هامبورگ، ده هزار نفر تظاهرات کردند. در پاریس، ۱۵۰ نفر دفتر یونیسف را اشغال نمودند و هزاران نفر در مقابل آن دست به تجمع اعتراضی زدند. در استکهلم نیز دفتر سازمان ملل اشغال شد. در مقابل ساختمان سازمان ملل نیز صدها نفر تجمع نمودند. در شهر مالمو تظاهر کنندگان دفتر حزب چپ را اشغال کردند. در مرکز شهر استکهلم نیز هزاران نفر تظاهرات نمودند. در

مجموع در بیست شهر اروپا، کنسولگری‌های یونان به اشغال تظاهرکنندگان درآمد.

دولت کنیا، بعد از دستگیری و تسلیم اوجالان به ترکیه، ۳۴ واحد کنسولی خود را در کشورهای مختلف به طور موقت تعطیل کرد تا از حمله مردم معترض و خشمگین در امان بمانند.

در اثر این اعتراضات «یورگو پاپاندرو» وزیر امور خارجه یونان، اعتراف کرد که دولت‌اش در رابطه با اوجالان اشتباه کرده است. وی در این مورد گفت: «می‌دانیم که اشتباه کرده‌ایم. به همین دلیل هم، این واقعه به استعفای سه وزیر و رئیس پلیس مخفی منجر گردید.» (۳۸)

ربودن اوجالان توسط دولت ترکیه شرایطی را به وجود آورد که مردم شهرهای کردستان ایران نیز در اعتراض به دولت ترکیه و حمایت از حقوق انسانی اوجالان، دست به تظاهرات بزنند. در این میان رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد از موقعیت پیش آمده بهره جسته و رقابت‌های خود با ترکیه را مطرح نماید. اما مردم به دام رژیم نیفتادند که در نتیجه، این اعتراضات بر علیه خود رژیم نیز کشیده شد. اعتراضات از شهر ارومیه آغاز شد. درگیری‌ها در این شهر، چند نفر کشته شده و ده‌ها نفر زخمی به جا گذاشت. سپس دامنه اعتراضات و تظاهرات به شهرهای سنندج، مهاباد، پیرانشهر، سقز، کامیاران و مریوان نیز کشیده شد. هنگامی که تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تهدیدهای دولت موثر واقع نشد، نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران به روی مردم آتش گشودند که در شهر سنندج در اثر آن ۱۴ نفر از جمله یک کودک جان خود را از دست دادند. تعدادی نیز زخمی و بیش از ۱۰۰۰ نفر دستگیر شدند.

کمیته مرکزی پ.ک.ک. سه روز پس از خیزش مردم سنندج، در تاریخ ۲۵

فوریه ۹۹ با انتشار اطلاعیه‌ای تظاهرات مردم شهرهای کردستان ایران را که بر علیه رژیم جمهوری اسلامی هم بود، حرکتی «انحرافی» خواند و آن‌ها را «تحریک امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها» نامید و توصیه نمود که مردم تنها علیه آمریکا، اسرائیل و ترکیه شعار بدهند. کمیته مرکزی پ.ک.ک. با این موضع‌گیری، بار دیگر نشان داد که در کنار رژیم جمهوری اسلامی و در مقابل اعتراض حق طلبانه مردم قرار دارد. متأسفانه این همان سیاست نادرستی است که احزاب ناسیونالیست کرد در بخش‌های مختلف کردستان به آن آلوده هستند. (۳۹)

مسئله مردم دنیا که از طریق رسانه‌های گروهی در جریان اسارت اوجالان قرار گرفته بودند؛ یک بار دیگر با ناباوری مشاهده کردند که دولت‌های به ظاهر دموکراتیک جهان، با جار و جنجالی که در دفاع از «حقوق بشر» و رعایت «قوانین بین‌المللی» به راه انداخته‌اند، تا چه حدود به آن پایبند هستند؟ به ویژه آنجا که منافع اقتصادی و سیاسی‌شان در میان باشد، دیگر معامله بر سر زندگی انسان‌ها و نابودی آنان یک امر عادی و مسلم خواهد بود. نیروی کار ارزان ترکیه و جامعه مصرفی ۷۰ میلیونی و عضویت آن کشور در پیمان نظامی ناتو، کافی است که حقوق بشر و قوانین بین‌المللی به کناری گذاشته شوند و تروریسم دولتی، چهره کریمه و ضد انسانی خود را نشان دهد.